

در آستانه

دریاچه ساوه موج بر می داشت و غرور خود را به ساحل می کوبید. ابهتی داشت دریاچه پرتلاطم ساوه.

گاهی موج ها دست به دست هم می دادند و انگار که خواسته باشند خشکی را ببلعند با غرش به سوی ساحل می آمدند... سال ها بود که این دریاچه همسایه زمین بود. شاید زمین آن جا هم یادش نباشد که از کی همسایه دریاچه شده است...

کسی جز نام کسری و روم را نمی شنید. دو امپراطوری بزرگ، که هر کدام یک سوی عالم را دست گرفته و خدایی می کردند. کسری کاخ های عظیمی به پا کرده که به گمانم به چند نسل و سلسله پادشاهی ایران بزرگ، وصال داده است. تاق هایش بلند و سر به فلک کشیده، انگار معمارش می خواست برای آسمان دیوار بسازد. راستی آیا ممکن است این بنای حیرت انگیز ویران شود؟...

میراث ابراهیم پیامبر، با تمام عظمتش خانه بت های زرین و سیمین و چوبی و گلین شده است. چه خدایان متواضعی! چقدر آرام و بی صدا کنار هم ایستاده اند و با هم کاری ندارند! همین هم درست است. خدایان که نباید با یکدیگر نزاع کنند. اگر آنان نتوانند با هم کنار بیایند پس مردم و بندگان شان چه کنند؟ سال ها از خدایی سیم و زرهای مجسم و زندگی مسالمت آمیز خدایان در کنار هم می گذشت. به گمانم با این همزیستی، با صلح و صفایی که این خدایان دارند، سال ها بتوانند خدایی کنند...

در گوشه ای دیگر از عالم، معبدی بزرگ اقامت گاه خدایی دیگر بود؛ یا شاید عبادت گاه دیگر. مردم به ادب وارد می شدند و خضوع می کردند تا مظهر نور و روشنایی یعنی آتش را ستایش کنند. بزرگان معبد از عمر هزارساله شعله معبد سخن می گویند. این یکی شاید بتواند خدای خوبی باشد. چرا که هزار سال زنده بوده است. لااقل از خدای سنگی و گلی بهتر است. هزار سال برای خودش یک عمر است!



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مُشْكِرِينَ

خبر به سرعت باد همه جا را گرفت. از مدائن خبر رسیده که ۱۴ کنگره کاخ کسری فروریخته. دیشب صدای مهیبی از داخل کعبه به گوش رسید. صبح که در را گشودند، خدایان با تمام ابهتشان از رو به زمین افتاده بودند. بسیاری از آن ها شکسته بود. آن از خشکی ترک برداشته، وحشت زده نگاه می کنند. با ترس و لرز با هم سخن می گویند. موبدان می گویند آتش کده خاموش شده. این نشانه عذاب است... و پیشگویان و طالع بینان از تولد نوزادی خبر داده اند که ابهت تمام خدایان دروغین را خواهد شکست...

شاید یک شب، همین نزدیکی ها، وقتی سینه سیاهی با تیغ صبح شکافته می شود، خبری همه جا دهان به دهان گفته شود که امروز صبح صدای غریبی شنیده اند که می گفت: «بقیه الله خیر لکم»...